

نقش طلاب و حوزه‌های علمیه در جامعه

مؤلف:

سید ابوالحسن علی ندوی

مترجم:

یار محمد امراء

عنوان کتاب:

نقش طلاب و حوزه‌های علمیه در جامعه

عنوان اصلی:

علماء کا مقام اور ان کی ذمہ داریاں (اردو)

مؤلف:

سید ابوالحسن علی ندوی

مترجم:

یار محمد امراء

موضوع:

آداب و رسوم اسلامی - آداب و تربیت (دعوت، گفتگو،

زندگی، تعبیرخواب، جشن و سوگواری و...)

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۷ ه.ش - صفر ۱۴۴۰ ه.ق

منبع:

کتابخانه قلم www.qalamlib.com



این کتاب از سایت کتابخانه قلم دانلود شده است.

www.qalamlib.com

book@qalamlib.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.qalamlib.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

محتوای این کتاب لزوماً بیانگر دیدگاه سایت کتابخانه قلم نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه نویسنده آن است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
مقدمه	١
آغاز سخن	٤
ماهیت حوزه‌های علمیه	٥
حوزه و مسؤولیت‌های سنگین آن	٦
مسئولیت‌های طلاب و فارغ‌التحصیلان حوزه‌ها	٨
عظمت طلاب و فارغ‌التحصیلان حوزه‌ها	١٠
احوال سرّی و نهانی	١١
انحطاط باطنی (معنوی) حوزه‌ها	١٣
شخصیت‌های مبارز و انقلابی	١٣
فضای افسرده حوزه‌ها	١٥
رهبری جهان در شاهراه تقلید و پیروی	١٥
احساس کمتری! آخر چرا؟	١٦
خودآگاهی و خودداری	١٧
عظمت زندگی در پرتوی سیرت اسلاف	١٧
آیا دین ذریعه حصول دنیا است؟	٢٠
تهی‌دستی و تشنه‌لبی دنیا	٢١

- روابط علوم اسلامی با زندگی و کارنامه اسلاف در این خصوص ۲۲
- به همراه زندگی و برآورده‌ساختن نیازهای زمان ۲۸
- تغییرات برنامه‌های درسی حوزه‌ها ۲۹
- وجود صلاحیت‌های متعدد برای نیابت از دین ۲۹
- آگاهی‌یافتن از حرکت‌ها و نهضت‌های نوین ۳۰
- مشکلات مطالعات جدید و مسئولیت‌های مربوطه ۳۰
- ارتباط مستقیم با ادبیات و زبان کشور ۳۱
- آگاهی کامل از زبان عربی ۳۴
- پاسداری از عقاید راستین ۳۶
- فتنه‌های عصر حاضر ۳۹
- مسئولیت‌های عصر حاضر ۳۹

مقدمه

از بدو خلقت تا عصر حاضر هر مخلوقی در تلاش رسیدن به مقصود نهایی که همان آرامش و امنیت باشد بوده و می‌باشد. از جایی که انسان برترین مخلوقات است، لازماً کیفیت و کمیت مساعی‌اش، متفاوت می‌باشد. تاریخ پرفراز و نشیب انسان، حاکی از تلاش‌های مستمر، در راستای احقاق حقوق حقه‌اش بوده و مطابق با وضعیت جغرافیایی و زمانی، بسا اوقات توانسته به اهداف عالیهِ خویش برسد و برخی مواقع، بر اثر عدم حرکت مناسب نتوانسته به آرزوهای خویش دست یابد.

واقعاً هر وقت بر محور حقایق و ارزش‌های عالیهِ اسلامی و انسان، پردهٔ جاهلیت افکنده شود، این همان وقت بسیار حساس و بحرانی خواهد بود که کلیه ارزش‌ها، قربانی ایده‌ها و نظریات بی‌اساس و بی‌ارزش خواهد گشت. و مادامی که نقاب، از کلیه جهالت‌ها، تعصبات بی‌جا و خشک و بی‌فرهنگی‌ها برداشته نشود این وضعیت تأسفبار ادامه خواهد داشت.

سرپرستی هردو قطب حق و باطل، بر عهده علماء می‌باشد. حق را علمای ربانی و باطل را علمای سوء رهبری می‌کنند.

علمای کرام اگر از اسوه‌های واقعی ﴿إِنَّمَا يَحْتَسِبُ اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الَّذِينَ عَلِمُوا﴾ [فاطر: ۲۸]^۱. باشند لازماً سرخیل علمای ربانی و جانشیمان بر حق رسول الله ﷺ و از بندگان صالح، قرار خواهند گرفت و در غیر این صورت از علمای سوء و پرچم‌داران خدعه و نیرنگ خواهند بود.

۱- «تنها بندگان دانا و دانشمند از خدا می‌ترسند».

خشیت الهی پیوندی است ناگسستنی بین عاشق و معشوق و حیثیت پل ارتباطی را خواهد داشت که عاشق را به سرای معشوق می‌رساند. این مقام والای ارتقای معنوی از شخصیت‌هایی خواهد بود که از کنه حقیقی خشیت الهی، مطلع باشند و خط مقدم این جبهه، را حتماً علمای ربانی، رهبری خواهند کرد. لذا مرتبه خشیت الهی نکته شاخصی، جهت شناخت علمای واقعی می‌باشد و با در نظر گرفتن این حقیقت، ادعای برخی از مدعیان دروغین برملا خواهد گشت.

حقیقت ناب یک عالم از وقتی آغاز می‌گردد که به عنوان یک طالب‌العلم در حوزه علمیه‌ای، مشغول فراگیری علوم مربوط می‌گردد.

محیط علمی حوزه‌های علمیه، همچون فطرت واقعی هدایت، در حق نسل بشر می‌باشد که از آن محیط فطری هدایت، چگونه استفاده می‌گیرد، عیناً محیط آموزشی و پرورشی حوزه‌ها، حیثیت واقعی فطرت عالم‌بودن ربانی را دارد، یعنی اگر طلاب بر منهج صحیح و بر روش درست آموزش و پرورش، سیر ارتقائی خویش را بپیمایند، حتماً از زمره علمای ربانی قرار خواهند گرفت. اما اگر برخلاف محور فطری معنویت حرکت کنند، در آن صورت برخوردشان با آن‌چنان صخره‌هایی خواهد بود که عاقبتی جز، رسوائی و نابودی نخواهند داشت.

رساله‌ای را که هم‌اکنون در اختیار دارید، مربوط به یکی از سخنرانی‌های استاد سید ابوالحسن علی ندوی می‌باشد، که در جمع طلاب یکی از حوزه‌های علمیه ایراد فرموده و نوعیت بیان استاد به صورتی است گویا کلیه حوزه‌ها و طلاب را در بر می‌گیرد، لذا جهت استفاده عمومی، رساله مربوطه که به زبان اردو بود، به فارسی ترجمه گردید تا علماء و طلاب و دانش پژوهان استفاده کامل را ببرند.

در پایان از کلیه خوانندگان محترم تقاضا می‌گردد، اگر احیاناً به هنگام مطالعه این رساله، با اشتباهات ادبی برخورد کردند و یا در نوعیت و کیفیت ترجمه غرابتی را احساس نمودند، حتماً مترجم را در جریان بگذارند تا در آتیه برای رفع این اشتباهات و تصحیح آنها، اقدامات لازم به عمل آید.

﴿وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾ [هود: ۸۸].^۱

وهو الموفق و المعین

یار محمد امراء

مدرس حوزه علمیه اشاعت التوحید سراوان

۱۴۱۹/۷/۲۰ هـ ق ۱۳۷۷/۸/۱۹ هـ ش

۱- «و توفیق من هم جز با خدا نیست تنها بر او توکل می‌کنم و فقط به سوی او برمی‌گردم»

آغاز سخن

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَأَحْلِلْ عُقْدَةَ مِنِّي لِسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾﴾ [طه: ۲۵-۲۸].^۱

حضار گرامی! از جایی که با حوزه‌های علمیه، روابط نزدیک و مستقیم دارید محور سخنم، شما خواهید بود. تا شما را بیش تر به وظیفه سنگینی که به عهده دارید متوجه سازم. زیرا خودم، از خدمتگذاران حوزه‌ها بوده و در این شاهراه مستقیم همسفر شما فرزندگان و امیدهای جامعه بشری می‌باشم بنابر اهمیت موضوع و بحرانی بودن اوضاع و احوال، قصدم بر این است که نتایج تجربه‌های حاصله و ثمره کوشش‌ها و کاوش‌های به دست آمده زندگی‌ام را تقدیم دارم و بنابه اعتمادی که بر من دارید و هم اینکه فرصتی جهت سخنرانی فراهم نموده‌اید، ان شاء الله سعی خواهم نمود، تا در این فرصت طلایی بهره کافی نصیب‌مان گردد، چرا که این اوقات، اوقات شخصیت‌های علمی که بسیار پر ارزش و مهم هستند، می‌باشد.

۱- «پروردگارا! سینه‌ام را فراخ و گشاده دار، و کار مرا بر من اسان گردان و گره از زبانم بگشای، تا اینکه سخن مرا بفهمند».

ماهیت حوزه‌های علمیه

در آغاز لازم است از ماهیت و اهمیت حوزه‌های علمیه مطلع گردیم. نه تنها اینکه حوزه بزرگ‌ترین مرکز انسان‌سازی است، بلکه پایگاه بسیار مهمی جهت آموزش دعوتگران بر حق و مجاهدین جان بر کف می‌باشد.

اهمیت حوزه در جهان اسلام، بلکه در جهان بشریت همانند نیروگاه برق است که در بخش‌ها و شعبه‌های به خصوصی، عقل و فکر و اندیشه و قلب انسان را از هرگونه تاریکی‌ها و گمراهی‌ها مبرا ساخته روشن می‌گرداند.

حوزه پایگاهی است که در آنجا، جمیع خلائق مورد محاسبه و زندگی انسان مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد و کلیه اصول و ضوابطش برای همگان لازم به اجراء است. حال آنکه لزومی ندارد، قوانین و دستورات غیر حوزوی در حق حوزه‌ها، اجراء گردد. حوزه اصلاً با تاریخ و تمدن و فرهنگ کسی نسبتی ندارد، که با گذشت زمان و یا بر اثر انقراضش، برای نابودی آن (حوزه) خطری پیش آید. چون ارتباط حوزه با رسالت همیشه جاودان رسول الله ﷺ؛ بسیار استوار و پابرجا می‌باشد. و از سوی دیگر ارتباطش با آنچنان نسل انسانی پیوسته، که همیشه جوان و با آنچنان زندگانی تعلق برقرار می‌کند که همواره پویا و در حال تحرک است.

اهمیت و ماهیت حوزه، واقعاً از حد هرگونه مباحث قدیم و جدید فراتر و برتر جلوه کرده، زیرا حوزه نمودار رسالت جاودانی رسول الله ﷺ و ارتقاء حیات بشری است.

حوزه و مسؤولیت‌های سنگین آن

مهم‌ترین انتقاد و اعتراضی که در حال حاضر بر حوزه‌ها، وارد می‌شود این است که این مراکز، نمایانگر آثار باستانی و یادآور قرون اولی می‌باشند. واقعاً این قبیل اعتراضات و انتقادات در حق حوزه‌ها، برابر با از به هم‌پاشیدن ماهیت و ارتقای معنوی آن‌ها است. حال آن که ارزش و اهمیت حوزه، از هر نهاد و پایگاهی فراتر و مستحکم‌تر می‌باشد. زیرا سرچشمه صلاحیت‌ها و ارتقاء معنوی زندگی بشر همین مراکز هستند.

حوزه از یک سو با رسالت ختمی مرتبت ﷺ و از سوی دیگر با زندگی بشر در ارتباط است. گویا از منابع جاودانی، سرچشمه گرفته و کشتزارهای زندگی بشر را سیر آب می‌گرداند. اما به محض اینکه از منابع حیاتی رسالت منقطع گردد، رونق و شادابی و طراوت زندگی انسان، فوراً سیر قهقرائی و زوال را در پیش خواهد گرفت و انسان‌ها از شرافت و کرامت انسانی محروم خواهند گشت.

واقعاً جای تعجب است، نه اقیانوس بیکران رسالت محمدی ﷺ تمام‌شدنی است و نه تشنگی انسان و نه از ناحیه منابع جود و سخاوت رسالت اثری از بخل و انکار نمایان است و نه از سوی پیمان‌های احتیاجات انسان سخن از بی‌نیازی، از یکسوی ندای «إِنَّمَا أَنَا قَاسِمٌ وَاللَّهُ يُعْطِي»^۱ در جامعه طنین‌افکن است و از طرف دیگر بانگ ﴿هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ﴾^۲ [ق: ۳۰] بلند است. آخر! کدام نهاد و مؤسسه را می‌شناسید که از حوزه‌ها بیشتر سازنده و مؤثرتر باشد. حال آن که مسائل مختلفه و فراز و نشیب‌های زندگی

۱- متفق علیه، مشکوة، کتاب العلم، ص ۳۲ «همانا من تقسیم‌کننده‌ام و خداوند عطا می‌کند».

۲- «مگر بیش از این هم است».

آنچنان پیچیده و زیاد است که جهت رهایی از این مشکلات نیاز به کشتی رهایی بخش حوزه می‌باشد.

هروقت حوزه، قیادت زندگی بشر را به عهده گیرد، در آن صورت کوچک‌ترین وقفه‌ای در کارهای حوزه، باقی نخواهد ماند. در حالی که به غیر از حوزه، مراکز و نهادهای دیگر، حق آسایش و آرامش را خواهند داشت و هر شخص در قبال مسئولیتی که دارد می‌تواند مرخصی بگیرد، اما برای یک حوزه، مجال هیچگونه مرخصی و تعطیلی نیست. در این سرای فانی و زودگذر، هر مسافری می‌تواند از نعمت آسایش و آرامش بهره‌مند شود. اما برای این مسافر (حوزه) هر نوع آسایش، بی‌فکری، بی‌توجهی و بی‌تفاوتی حرام است. اما اگر چنانچه برای زندگی، توقف و آرامشی در کار باشد، در این صورت هیچ مانعی نخواهد بود که برای حوزه هم این‌چنین کیفیتی در پیش باشند.

اما وقتی زندگی انسان در حال تغییر و تحول است، لذا به هیچ عنوان نمی‌توان در حق حوزه، تعطل و توقفی را تصور نمود. چون از اساسی‌ترین مسؤولیت‌های حوزه، یکی آن است، که کلیه فراز و نشیب‌های زندگی بشر را باید مورد تحقیق و بررسی قرار دهد. و برای هرگونه مسائل، ضوابط و قوانین نوینی را باید صادر نماید و مطابق با نیازهای لازمه، جهت بیدار ساختن افکار عمومی باید حرکتی فعال و مؤثر داشته باشد و در مقابل هرگونه فتنه و جهت مستحکم‌نمودن قدم‌هایی که لغزش خورده باید اقدامات و تصمیمات جدی بگیرد؛ اما اگر خدای نخواست، حوزه از محدوده و محور زندگی باز بماند و یا احساس خستگی و افسردگی نموده در فکر آرامش باشد و یا وقفه‌ای در کارش پیش آید، در این صورت چه کسی و چه مرجعی می‌تواند راهنمایی انسان سرگشته را به عهده گیرد و چه کسی می‌تواند رسالت ناب محمدی صلی الله علیه و آله را محفوظ نگه داشته و به دیگران بشناساند.

کناره‌گیری حوزه از عهده‌دار بودن زندگی بشر، با شکست و یأس و بی‌وفائی با زندگی انسان مترادف خواهد بود. اما اگر حوزه‌ای مسیر اصلی‌اش را طی کند لازماً در مقابل اینگونه جریانات و رویدادها بی‌تفاوت نخواهد ماند، بلکه جهت رفع آن‌ها اقدامات مفید و مؤثری را به مرحله اجرا در خواهد آورد.

مسئولیت‌های طلاب و فارغ‌التحصیلان حوزه‌ها

شما طلاب حوزه‌های علمیه این حقیقت را باید بپذیرید، که مسئولیت و وظیفه‌تان از همه بیشتر و مهم‌تر می‌باشد. در حال حاضر نمی‌توان وظائف و مسئولیت‌های دیگران را همانند مسئولیت‌های حیاتی شما قرار داد. پیوسته این گفته که «از یکسوی با رسالت جهانی محمدی ﷺ و از سوی دیگر با زندگی بشر در ارتباط می‌باشید» را مدنظر داشته و آن را مورد تحقیق و بررسی قرار دهید چون محور تشخیص و مهم‌بودن مسئولیت‌تان مربوط به همین دو بُعد است. از اینکه ارتباط‌تان با رسالت محمدی ﷺ مستحکم گردیده، بسی مایه افتخار و سرافرازی است. در ضمن امانت بسیار بزرگ عقاید و حقایق نیز نزد شما به امانت گذاشته شده و در قبال این امانت، ناگزیر وظایف بسیار مهمی را به عهده خواهید داشت. لازم است نیروی ایمانی و اراده‌تان جدی و حوصله و استقامت‌تان طوری باشد، اگر روزی بر تمام جهان چیره گشتید، باز هم تحت هیچگونه شرائطی نباید احساس جدائی و دوری از حوزه‌ها برای‌تان پیش آید، بلکه احساس همبستگی و همفکری و هماهنگی با این مراکز را پیوسته مدنظر داشته و آماده هرگونه خدمت و انجام وظیفه باشید و قلوب‌تان سرشار از عشق و محبت و فخر و ستایش باشد و بر صداقت و صلاحیت‌های دائمی حوزه، اعتقادی راسخ داشته باشید.

و هر فکر و اندیشه‌ای که به مخالفت با این مراکز بروز کند، آن را از میراث جاهلیت قرن حاضر شمرده و در عوض به محض اجرای احکام شریعت و تعالیم اسلامی، با ندای روح بخش «لَبَّيْكَ سَمْعًا وَأَطَعْنَا» اعلان پشتیبانی نمایند و به سردمداران عصر جاهلیت اینچنین بگویند.

﴿وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ﴾

[الممتحنة: ۴].

«و پدیدار شد میان ما و شما دشمنی و کینه همیشه، مگر آنکه ایمان آورید به خدای یگانه».

در پرتوی قرآن و سنت، باید اعتقادی کامل و اراده‌ای استوار داشته باشید. و این حقیقت را باید پذیرفت و به دیگران هم فهماند که در این طوفان سهمناک جاهلیت عصر حاضر، تنها کشتی رهایی بخش، رسالت و امامت رسول الله ﷺ بوده و رمز پیروزی ملت‌ها فقط در اتباع از سیرت پاک ختمی مرتبت ﷺ می‌باشد، واقعاً شاعری چه خوب سروده:

محمد عربی که ابروی هر دو سراسر است

کسی که خاک‌درش نیست خاک بر سر او

بنیاد و اساس علم را در تعالیم نبوت باید جستجو نمود. و در مقابل، مباحث فلسفه، الهیات و روایت بی‌اساس و قیاسات را افسانه‌ای بیش تلقی نکنید و از اسرار توحید اطلاعات کامل داشته باشید تا اینکه مبادا تحت تأثیر مظاهر شرک و بت‌پرستی و علوم وابسته، به این مظاهر به هر کیف و کمی که باشند قرار گیرید و هیچگونه وقعت و ارزشی نسبت به آن مظاهر از خود نشان ندهید و در قبال اینگونه امور، همیشه این گفتار را مدنظر داشته

باشید. ﴿زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾ [الأنعام: ۱۱۲]^۱ و همیشه در تکاپوی اطاعت از سنت رسول الله ﷺ بوده و بر منشور جهانی «احسن الهدی هدی محمد صلی الله علیه وسلم»^۲ و همچنین بر فساد و بی‌اساس بودن بدعت‌ها اعتقاد کامل داشته باشید.

عظمت طلاب و فارغ التحصیلان حوزه‌ها

بزرگ‌ترین امتیازی که بر دیگران دارید این است، برای عموم مردم، آگاهی و ایمان اجمالی به معتقدات اسلامی کافی است، اما شما که نبض شاهراه دین را در اختیار دارید تنها برای تان اطلاعات جزئی اجمالی کافی نیست بلکه لازم است بر تعالیم اسلامی تسلط کامل داشته باشید و از این شعار که «فلان فکر و اندیشه را پذیرفته‌اید» کاری نکرده‌اید مگر اینکه بعد از پذیرفتن آن، در فکر رساندنش (عملاً) به دیگران باشید، برای دیگران پذیرفتن، کفایت می‌کند، اما ایده و آرمان شما باید سر مشق پذیرش دیگران باشد چون میلیاردها انسان، در انتظار یافتن شاهراه هدایت و ساحل نجات می‌باشند. و تنها شما خواهید توانست آنان را به منزل مقصود برسانید، لیکن این حقیقت را هم باید بپذیرید. این مرتبه را تا آنوقت حاصل نخواهید کرد مگر اینکه خویشتن را به مرز فنائیت رسانید و این واقعیت هم وجودتان را در بر گیرد. که:

«يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ إِلَى الْكُفْرِ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقَدَّفَ فِي النَّارِ»^۳.

۱- «سخنان بی‌اساس و فریبنده».

۲- ابن ماجه ج ۱، مقدمه ص ۱۸ «بهترین هدایت، هدایت رسول الله ﷺ».

۳- بخاری، باب حلاوة الايمان ج ۱، ص ۷.

مادامی که به ریسمان مستحکم الهی و سنت نبوی چنگ نزید، ادعای دعوتگر بودن شما بدون دلیل و فاقد هرگونه ارزش معنوی خواهد بود. در همین راستا کلیه انجمن‌ها، سازمان‌ها، جنبش‌ها، ارگان‌ها و نهادهای اسلامی، که نسبت به امت اسلامی مسئولیت مهمی را در پیش دارند، چنانچه متصف به صفت فنائیت و از خود گذشتگی نباشند، هرگز نخواهند توانست به اهداف عالیّه خویش برسند و هم اینکه موفق نخواهند شد از آرمان‌های عالیّه خویش پاسداری بنمایند.

احوال سزّی و نهانی

رسول الله ﷺ با بهترین اسلوبی، مسیر علوم و احکام را اینگونه بیان می‌دارند:

«إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا، إِنَّمَا وَرَثُوا الْعِلْمَ»^۱.

ارث به جای گذاشته رسول الله ﷺ به صورت علم قرآن و سنت می‌باشد. واقعاً بسی جای سپاس است که این حوزه، ارزنده‌ترین مرکزی در جهت خدمت نمودن به این میراث گرانبها و جاودانی می‌باشد. همانطوری که خداوند ضامن محافظت نمودن از کلامش (قرآن) می‌باشد، به همین صورت از سنت رسولش ﷺ نیز محافظت می‌فرماید و تا روز رستاخیز هر دو منبع، قرآن و سنت محفوظ باقی خواهند ماند. از ویژگی‌های به خصوص رسالت، می‌توان از صفات ایقان، اخلاص، ایمان، احتساب، دعا و ابتهاج، استغنا، و توکل و دیگر صفات کامله نام برد.

۱- ترمذی، جلد ۲، ص ۹۳، کتاب العلم «یقیناً انبیاء دینار و درهمی به ارث نگذاشتند، و همانا این علم (دین) را به ارث گذاشتند».

علوم نبوت، مجموعهٔ بارزشی از قبیل احکامات و صفات مخصوصه می‌باشد در همین مورد خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ [الجمعة: ۲].^۱

با توجه به این اگر کسی فقط بر بخش احکامات علوم نبوت اکتفاء کند و بخش اوصاف را ترک کند، این کیفیت، دلیل صریحی خواهد بود بر ناقص بودن وراثت.

اسلاف بزرگوار و این رهروان حق و حقیقت، که بار سنگین رسالت را به دوش گرفته و به منزل مقصود رساندند، تنها پاسدار بخشی از وراثت نبودند بلکه کاملاً از کلیه بخش‌های علوم نبوت محافظت می‌فرمودند و هم‌اکنون کسی نمی‌تواند این ادعای بی‌اساس را بکند که تنها در پرتوی بخشی از رسالت می‌توان پایه‌های انقلاب اسلامی را مستحکم گردانید، مگر اینکه خویشان را متمسک به تمام اصول و ضوابط مربوط به بخش‌های مختلف رسالت بکند.

بسی جای سپاس و شکر است که رشته معنوی شما با آن اسلاف بزرگوار، در ارتباط می‌باشد، شخصیت‌هایی که از هردو سلسله بهره‌مند شده بودند. اکنون اگر در پی دست یافتن نیابت واقعی هستید، باید هردو محور علوم نبوت را فرا گیرید، در غیر این صورت تنها از فراگیری علوم و فنون و احکام، بدون اوصاف و اخلاق مربوطه، انسان به جایی نخواهند رسید و در آن وقت همانند گل‌های رنگارنگ کاغذی خواهند بود، که نه طرواتی دارند و نه بوی خوشی و از آن‌ها هیچگونه بهره‌ای گرفته نمی‌شود. حال آن که در گلستان محمدی ﷺ، نیاز مبرم به گل‌های واقعی و طبیعی می‌باشد و نه به گل‌های کاغذی و مصنوعی. تا اینکه سرانجام، روح تازه‌ای در این کالبد از

۱- «و آنان را کتاب و حکمت می‌آموزاند».

کار افتاده و پژمردهٔ انسانیت، دمیده شود و روح تازه و فعال انسانیت، به حرکت سازنده درآید.

﴿فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۱۸]^۱.

انحطاط باطنی (معنوی) حوزه‌ها

نباید از آشکارا شدن واقعیت‌ها ناراحت شد، لذا با کمال تأسف و اندوه باید بگوییم، در حال حاضر حوزه‌های علمیه، فاقد نیروی مؤثر معنوی هستند، اوصاف و ویژگی‌های اخلاقی رسول الله ﷺ، پی در پی در حال انزوا و فراموشی‌اند و جرعه‌های غم و اندوه را باید سر کشید، نتیجه زوال اوصاف و ویژگی‌های اخلاقی را می‌توان بدین صورت تشریح نمود که متأسفانه هر سال بر تعداد فارغ التحصیلان حوزه‌های علمیه، افزوده می‌شود اما هیچگونه تغییر و تحولی در زندگی مردم، که بیانگر اصلاح و هدایت آنان باشد، مشاهده نمی‌گردد و به جای اینکه از مشکلات مذهبی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم کاسته شود برعکس بر فهرست آن مشکلات و مصائب افزوده می‌گردد.

شخصیت‌های مبارز و انقلابی

در همین کشور (هندوستان) شخصیت‌های گمنامی چون خواجه معین الدین چشتی رحمته و سید علی همدانی کشمیری رحمته و غیره می‌آمدند و سر تا سر این دیار را سرشار از نور و حرارت ایمان می‌نمودند. حضرت مجدد الف ثانی رحمته در حکومت مغول‌ها، آنچنان انقلابی برپا نمود، که بر اثرش آن شخصیت برجسته، فقیه و محدث بزرگوار در دامان پادشاه منحوسی،

۱- «پس حق ثابت و ظاهر گردید و آنچه آنان می‌کردند باطل شد.»

همچون اکبر، پا به عرصه وجود گذاشت و سرانجام، حقیقت معنوی‌اش را به جهانیان تقدیم نمود.

شاه ولی الله رحمته با افکار انقلابی‌اش، به طور کلی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را دگرگون ساخت. فرهنگ و تمدن آن دیار را تحت تأثیر افکار انقلابی خویش قرار داد. حضرت مولانا محمد قاسم نانوتوی رحمته در آن دورانی که مردم دچار یأس و افسردگی شده بودند، آنچنان مرکز علمی را بنا نهاد که برای همیشه مایه امیدواری برای جهان اسلام است.

در سلسله همین حرکت‌های اصلاحی، حضرت مولانا محمد الیاس رحمته جهت زنده نگه‌داشتن ارزش‌های دین مبین اسلام، حرکت نوینی تحت عنوان جماعت تبلیغی را آغاز فرمود و در حال حاضر در گوشه و کنار دنیا، ابعاد وسعتش، در حال پیشرفت است و در آینده هم محور حرکتش وسیع‌تر خواهد گشت ان شاء الله تعالی.

ع: جهانی را دگرگون کرد یک مرد خود آگاهی

لیکن متأسفانه، اکثر فارغ التحصیلان حوزه‌های علمیه، از این نیروی مؤثر معنوی و از ویژگی‌های اخلاق فاضله، فاصله گرفته و از نیروئی، که جنبش انقلابی را در وجودشان پیدا کند، نیز محروم می‌باشند.

تاریخ، بیانگر حقایق واقعی است و تنها در مقابل عظمت و بزرگی سرنگون می‌گردد و قلوب افسرده و بی‌حرکت، به وجود دل‌های زنده و بیدار، پی می‌برند و اکنون کیفیت افسردگی رو به افزایش است. در میادین و محافل سخنرانی و پند و اندرزها، هیچگونه کوتاهی نیست و در همین مورد حضرت جگر رحمته چنین می‌فرماید:

«در نگاه‌ها اثری از عشق و محبت هویدا نیست و بر جبین آثار اعتماد و نور یقین نمایان نیست».

فضای افسرده حوزه‌ها

آن مراکز علمی که سالیان متمادی مرکز و محور عظمت و طراوت زندگی بودند و شخصیت‌های علمی و انقلابی را پرورش داده، تحویل جامعه می‌دادند، اکنون با امواج یأس و ناامیدی و احساس کم‌تری مواجه‌اند و تنها پیشرفت در این زمینه، افزایش روز افزون حوزه‌های علمیه، برنامه‌ها و کتب درسی، کتابخانه‌ها و مسئولیت‌ها است، که مشاهده می‌گردد. حال آن که نبض حیات و تپش نیروی ایمانی با نوعی تزلزل و ضعف مواجه گردیده است. اوضاع و احوال به جایی رسیده، احیاناً اگر اندیشمند و یا متفکری جهت بازدید به یکی از حوزه‌ها برود، لاجرم با مشاهده کردن فضای افسرده معنویت آن محیط علمی، چنین خواهد گفت:

«با آنچنان طوفان سهمگینی مواجه گردی، تا خود را باز یابی چون در امواج دریای تو هیچگونه تحرکی نیست و ممکن نیست از کتاب رهائی یابی، اما تو کتاب‌خوان هستی نه صاحب کتاب».

ناگفته نماند چنین دعائی در حق حوزه‌ها، خالی از ترس و وحشت نیست و هم‌اکنون آثار این طوفان سهمناک به وضوح در حوزه‌ها مشاهده می‌گردد. اما این‌ها اثرات آن امواج خطرناکی هستند که در خارج از حوزه‌ها به حرکت درآمده و این انعکاس بانگ جنبش‌هایی است که در بیرون طنین اندازند، لازماً در همچنین مواردی، طلاب فقط جنبه سمبولیک، خواهند داشت.

رهبری جهان در شاهراه تقلید و پیروی

واقعاً تعجب‌آور است کلیه حرکت‌ها و دگرگونی‌هایی که در محیط دانشگاه‌ها و مدارس دولتی (در ارتباط با کشور هندوستان) مورد نفرت مردم قرار گرفته، در حال حاضر همان تحولات، محیط حوزه‌های علمیه را

تحت تأثیر اثرات شوم خویش قرار داده است.

آن پایگاه‌هایی که می‌بایست ضامن رشد و پیشرفت دنیا و رهبری امت بوده و صاحب دعوت و فکر می‌شدند و به جای اینکه مقتدی قرار گیرند، بر سیاست اتباع از دانشگاه‌ها و مدارس دولتی، احساس فخر و سربلندی می‌کنند و بزرگ‌ترین خطری که حوزه‌های علمیه را تهدید می‌کند و فضای صاف آنجا را آلوده می‌سازد، احساس کمتری است و هر کسی که مبتلا به این بیماری گردد، با آینده بسیار دشوار و وخیمی روبه‌رو خواهد گشت.

احساس کمتری! آخر چرا؟

شما که طلیعه‌داران ساختار جامعه هستید، آخر چرا احساس کمتری و حقارت می‌کنید؟ اگر افرادی غیر از شما این چنین احساسی را می‌کردند باز هم کردارشان قابل توجیه بود. چون احتمال می‌رفت که این عمل‌شان بنا بر مسایل روانی باشد. اما احساس حقارت نمودن شما، دلالت بر ضعف ایمانی و عدم رسوخ ایده است و سرانجام اینگونه احساسات بی‌پایه، بسیار وخیم و خطرناک خواهد بود و مبتلا شدن جانشینان رسول الله ﷺ به این بیماری واگیر، بیانگر آن خواهد بود که از مرتبه و عظمت نبوت کلاً بی‌اطلاع بوده، گویا نسبت به آن هیچگونه اعتقادی ندارند. و شما از زمره کسانی هستید که مولانا روم در حق‌شان چنین می‌فرماید:

نخوتی دارند و کبری چونم شهان

چاکری خواهند از اهل جهان

سعدی رحمته چنین می‌فرماید:

شهان بی‌کله و خسروان بی‌کمرند.

خودآگاهی و خودداری

از سرمایه‌های گرانبهائی که شما برخوردارید و دیگران از آن بی‌بهره‌اند، این است که در سینه‌هایتان علوم نبوت به ودیعت گذاشته شده و آنچنان حقایق و اسراری نهفته شده که اکنون در دنیا مشاهده نمی‌گردند و یا اینکه نادر الوقوع‌اند و به همین خاطر، جهان در تاریکی‌ها و گمراهی‌ها فرو رفته است.

از شما بعید است که از لباس‌های ژنده و پینه زده‌تان و جسم‌های نحیف و جیب‌های توخالی، شکایت کرده اظهار یأس و ناامیدی و ناراحتی کنید. بلکه پیوسته در این اندیشه باشید که سینه‌هایتان منبع و سرچشمه چه نوع علوم و چه سرمایه‌های ارزنده‌ای هستند و در وجودتان چه ماه کاملی پنهان می‌باشد.

بر خود نظر گشا ز تهی دامنی مرنج

در سینه تو ماه تمامی نهاده‌اند

و این واقعیت را باید بپذیرید که احساس حقارت مربوط به باطن انسان می‌باشد و این احساس، نتیجه‌ی تردیدها، شبهات، افسردگی و نبودن آگاهی‌های کامل می‌باشد. هرکس که در پی تفکر و سازندگی نباشد لازماً خودش را حقیر شمرده، پیوسته در این تصور خواهد بود که دیگران نیز، وی را از دیده‌ی حقارت می‌نگرند. سرانجام، در زندگی دنیوی فاقد هرگونه عظمت و شرف، خواهند شد و این ظلم بی‌محل را خود انسان بر خودش فرا خوانده است.

عظمت زندگی در پرتوی سیرت اسلاف

اگر برای بقای ظاهری زندگی به خوراک و پوشاک و دیگر مایحتاجات، نیازمندیم حتماً برای بقای روحانیت و معنویت زندگی لازم است که در این

دنیا، سیرت و رسالت پیامبران سمبل و الگو باشد و احساس کمتری و عدم رجحان به این دنیا باید مشخص گردد و از گوشه و کنار جهان این ندا به گوش رسد که:

﴿أَتُمِدُّونَ بِمَالٍ فَمَا آتَيْنَا اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَيْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيَتِكُمْ تَفْرَحُونَ﴾ [النمل: ۳۶].

«آیا به مال یاریم می‌کنید، همانا آنچه خدا مرا داده بهتر است از آنچه که به شما داده، بلکه شما به هدیه خودتان، شادمانید.»

هر وقت این ندا کلا به خاموشی گراید و سر تا سر جهان هستی را فضای بازار حراجی در بر گیرد و آنجائی که، فهم، شعور، حرارت ایمان و ارزش‌های دیگر اسلامی مجاناً حاصل گردند و عظمت، شرافت و کرامت انسان همانند کالاها مورد معامله قرار گیرد، آن وقت است که دنیا، ارزش این را نخواهد داشت که یک لحظه باقی بماند و در آن روز، انسان هم شرف و عظمت و وجدانش را کلاً از دست خواهد داد. لذا شرط بقای عظمت شرافت انسانی و رسالت جهانی پیامبران تنها مربوط به شما می‌باشد. اما این هدف مقدس را از آن حوزه‌هایی که مقصودشان حصول و جمع‌آوری منافع دنیوی می‌باشد، نمی‌توان متوقع شد. اما شما می‌توانید مورد و مصداق این شرط قرار گیرید، زیرا اسلاف‌تان با جرأت و با علم و عمل و نیروی پرتوان ایمان، تاریخ، بشریت را به بهترین وجهی، دگرگون ساخته، از نور ایمان و اصلاح روشن ساخته بودند و ائمه‌ای چون امام اعظم ابوحنیفه و امام مالک رحمهم الله با رشادت‌ها و آینده‌نگری‌هایشان یادوارهٔ جاودانی را برای خودشان، بر قلب تاریخ حکاکی نمودند، تا جائی که حکومت عباسیان با توجه به نیرنگ‌های و نقشه‌های شومش، نتوانست آن‌ها را از بین ببرد.

امام غزالی رحمته مدیریت مدرسه نظامیه بغداد را که از سوی خلیفه وقت پیشنهاد گردیده بود، با توجه به اینکه بعد از منصب خلافت، مهم‌ترین و

بزرگ‌ترین منصب در دستگاه خلافت بود، نپذیرفت. حضرت مجدد الف ثانی به جای اینکه در مقابل عزایم شوم اکبرشاه تسلیم شود، تبعیدشدن به گویاری را ترجیح داد.

حضرت میرزا جان جانان از زمره اسلاف بزرگوار است. پادشاه دهلی یک دفعه پیامی را به محضرشان ارسال نمود و در این پیام گفته بود: خداوند، سلطنت ما را گسترش داده، لذا از حضرتعالی استدعا می‌شود، سهمیه خویش را مشخص سازید. شیخ در جواب فرمود: خداوند اقلیم‌های هفتگانه را چنین یاد می‌کند که: ﴿مَتَعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ﴾ [النساء: ۷۷] حال آن که بخش بسیار کوچکی از این اقلیم‌ها، در اختیار تو می‌باشد، لذا وسعت سلطنت تو به اندازه‌ای نمی‌باشد که فقیری چون من، به سویس دست نیازمندی دراز کند. همچنین نواب آصف‌جاه مبلغی در حدود بیست هزار تومان به شیخ تقدیم نمود. اما آن بزرگوار آن‌ها را نپذیرفت نواب به شیخ گفت: این مبلغ پول را بگیر و بین فقراء و نیازمندان تقسیم کن. شیخ در جوابش گفت: نمی‌توانم؛ این کار را خودت انجام بده.

حضرت شاه غلام علی رحمته هم از اسلاف بزرگوار می‌باشد یک دفعه استاندار تونک، نواب میرخان، تصمیم گرفت مخارج سالانه خانقاه شیخ را تقبل کند، اما شیخ در مقابل این پیشنهاد چنین فرمود:

ما ابروی فقر و قناعت نمی‌بریم

به میرخان بگوی که روزی مقدر است

مولانا عبدالرحیم شخصیتی بود که ده تومان ریاست را بر ۲۵۰ تومان دانشکده بریلی ترجیح داده فرمود: اگر خداوند در این رابطه مرا مورد بازخواست قرار دهند در آن صورت چه جوابی خواهم داشت که عرض کنم. بسیار خوب است، نگاهی داشته باشیم بر سیمای درخشنده بنیانگذار

دارالعلوم اسلامی دیوبند، حضرت مولانا محمد قاسم نانوتوی رحمته در آن دوران بیش‌ترین حقوق یک مدیر در علیگر، ده تومان بود. بعد از اینکه مادر محترمه مولانا محمد قاسم رحمته وفات کرد، دو تومان از حقوقش را کم کرد، به این دلیل که آن دو تومان قبلاً صرف مخارج مادرشان قرار می‌گرفت، اما بعد از وفات مادر، دیگر نیازی به آن دو تومان نداشت.

آری این نگاهی کوتاه، بر سیمای درخشان اسلاف بزرگوار بود، به خاطر اینکه خدمتی به اسلام و مسلمین کرده باشند، حقوق‌ها و مزایای در سطح بالا را نپذیرفته، بلکه بر همان حقوق اندک اکتفاء می‌کردند.

أُولَئِكَ آبَائِي، فَجِئْتِي بِمِثْلِهِمْ إِذَا جَمَعْتُنَا يَا جَرِيرُ الْمَجَامِعُ^۱

آیا دین ذریعه حصول دنیا است؟

هرگز این تصور را نکنید، از فراز و نشیب و دگرگونی‌های زندگی و نیازهای رو به افزایش جامعه و از دیگر مشکلات، آگاهی و یا اینکه احساسی ندارم و به همین خاطر در این اوضاع بحرانی، سیرت آن اسلاف بزرگوار را بیان نمودم و شما را هم به سوی آن دعوت می‌دهم. بلکه مقصودم این است، شما هم بر شاهراه ایثار و قناعت و توکل گام نهید و این همان مسیری است که تا کنون آن را طی می‌کرده‌اید و خداوند هم شما را برای این راه برگزیده است. به خوبی باید متوجه شد، هدف تنها بدست آوردن منافع دنیوی نیست. و در عوض سرزنش طعنه‌گویان و زخم زبان آنان که می‌گویند:

﴿قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا﴾ [هود: ۶۲].

۱- دیوان فرزددق. «ای جریر اینان پدران من هستند تو نیز در آن وقت که انجمن‌ها ما را با یکدیگر گرد آوردند، اگر می‌توانی همانند آنان را بیاور.»

«همانا امیدواری ما بودی قبل از این».

را با بردباری تمام متحمل شویم و درس:

﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾ [طه: ۱۳۱].

«و دیدگان خود را نگشای به آنچه کامیابی دادیم بدان خردان و زنانی را از ایشان، شکوفه زندگانی دنیا تا بیازمائشان در آن و رزق پروردگارت بهتر و پاینده‌تر است».

را بیاموزیم و نتیجه متحمل شدن اینگونه سرزنش‌ها و طعنه‌ها این خواهد بود که:

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ [السجدة: ۲۴].

«و گرداندیم ایشان را پیشوایانی که راهنمایی می‌کنند به فرمان ما چنانکه شکیبایی کردند و به آیات‌های ما یقین می‌کردند».

مولانا روم می‌فرماید:

معدۀ را بگذار سوی دل خرام

تا که پی پرده ز حق آید سلام

تهی دستی و تشنه‌بی دنیا

علل و اسباب احساس حقارتی که موجب آزرده‌گی خاطر شما می‌شود، بی‌شمارند. اول اینکه از کنه و مرتبه خویش آگاهی کامل ندارید، ثانیاً از تحولات و دگرگونی‌های و فراز و نشیب‌های دنیا هم اطلاعات کافی ندارید، و اصلاً نمی‌دانید دنیا تا چه اندازه تهی دست و تشنه‌لب است. در حالی که آن را از نگاه مرعوبیت می‌نگرید، چون از حقیقتش بی‌خبرید. اگر با دقت و از نزدیک اوضاع و تحولات دنیا را مورد بررسی و تحقیق قرار دهید، برای‌تان

اوضاع آشفته و متشنج دنیا، نمایان خواهد گشت و سکه‌هایش کلاً قلابی و چشمه‌های امیدش، سراب خواهند بود. و هر مکتب فکری و ایسم‌های مختلف، کلاً نافرجام و خواب‌های بلند پروازش، بدون تعبیر باقی خواهد ماند.

اما با کمال تأسف، آن سرمایه‌جاودانی رسالت رسول الله ﷺ که اکنون به عنوان امانت نزد شما موجود است و شما امین آن هستید، آن را از دیده‌ی حقارت می‌نگرید و از اینکه با آن نسبت دارید، احساس شرمساری می‌کنید. به این دلیل که دنیا در همه میدان‌ها و در تمام زمینه‌ها، به اوج ترقی و پیشرفت رسیده است. اما همین دنیائی که شما تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اید، خودش در تلاش یافتن راه و چاره‌ای است، که کسی آن را از این ورطه انحطاط و زوال نجات دهد. و مردم دنیا در انتظار انسان‌های مصلح و سازنده‌ای هستند، که وارد میدان عمل گشته، تا آنان را به سوی رستگاری و کامرانی راهنمایی کنند و رسالت روح بخش محمدی ﷺ را به آنان برسانند.

همه آهوان صحراء سر خود نهاده بکف

بامید آنکه روزی بشکار خواهی آمد

روابط علوم اسلامی با زندگی و کارنامه اسلاف در این خصوص

قبلاً این حقیقت را فهمیدید که مسیرتان از یکسوی با رسالت محمدی ﷺ و از سوی دیگر با زندگی بشر در ارتباط است. به طور فشرده، مسئولیت‌مان پیروان رسالت محمدی ﷺ را بیان کردیم و اکنون مسئولیت‌مان، راجع به زندگی بشر را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ای جانشینان بر حق پیامبر ﷺ آن نظام زندگی که پیامبر خدا به امت تقدیم نمودند، اینطور نیست که بخشی از آن را دنبال نموده و بخشی دیگر از آن را رها سازید. اسلاف شما، اصلاً حاضر به این نبودند، کوچک‌ترین

خللی در دین به وجود آید و این امانت را کاملاً، بدون کوچک‌ترین نقص و خللی به ما و شما رسانیده تحویل دادند و مساعی‌شان پیوسته بر این بود، که نظام اصیل شریعت را در جامعه بشری به مرحله اجراء عملی درآورند. و بنابه فراست و حکمت و دانائی‌شان موفق شدند مثال زنده علوم نبوت را به گونه‌ای پیش کنند، که هیچگونه ابهام و تردیدی برای آیندگان باقی نماند، و نسبت به اصول و قوانین دین مبین اسلام، دارای اراده‌های مصمم و خلل ناپذیری بودند و در تشریح و تفهیم شریعت، همانند کشش شاخه‌های گل و به نرمی ابریشم بودند.

اخلاق و کردارشان تفسیر این قول حضرت علی علیه السلام بود که فرموده بودند:

«كلموا الناس علی قدر عقولهم اتریدون ان یکذب الله ورسوله»^۱.

چنانچه بنابه اقتضای زمان، حقیقت دین را به مردم، ابلاغ می‌کردند، با توجه به اینکه چگونگی اوضاع سیاسی و اجتماعی وقت را نیز به نحو احسن، در نظر گرفته بودند.

در قرن سوم هجری قمری همزمان با خلافت مأمون و معتصم، علوم و فنون فلسفه یونان و افکار و اندیشه‌های اعتزالی، بین مردم رواج یافته بود و در پرتوی این اندیشه‌های اعتزالی، هر کسی خود را متفکر و دانشمند، قلمداد می‌کرد. چنانچه در مقابل این حرکت نوین فکری، امام ابوالحسن اشعری قیام کرده، همان روشی را که آنان اختیار کرده بودند را برگزید و وارد صحنه عمل شد و حقانیت دین مبین اسلام را برای مردم به اثبات

۱- «با مردم به مقدار فهمشان تکلم کنید، آیا می‌خواهید که (در نتیجه عدم فهم شان، مردم) خدا و رسولش را تکذیب کنند».

رسانید و نتیجه این انقلاب فکری آن شد که معتزلی‌ها در کوتاه‌ترین مدت، شکست خورده و مسلمانان اطمینان خاطر حاصل نمودند.

در همین رابطه ابوبکر صیرفی می‌گوید:

«معتزلی‌ها با آمادگی کامل، وارد صحنه عمل شده بودند و جهت مقابله و رویارویی با آنان، امام ابوالحسن اشعری قیام نموده و بر اثر تأییدات الهی و با استمداد از نیروی عقل موفق شدند، بر افکار و اندیشه‌های معتزلی‌ها چیره گردند».

نتیجه این همه کوشش‌ها و حرکت‌های فکری، این بود که اندیشمندان و دوراندیشانی چون ابوبکر اسماعیلی حضرت امام ابوالحسن اشعری را از زمره مجددان امت اسلامی به شمار آورد. بعد از امام ابوالحسن اشعری شاگردانش، افکار امام را تدوین نموده گسترش دادند و ائمه‌ای چون قاضی ابوبکر باقلانی، شیخ ابواسحاق اسفرائینی و اساتیدی چون علامه ابو اسحاق شیرازی و امام الحرمین و غیره ادامه‌دهنده نهضت فکری و انقلابی امام ابوالحسن اشعری شدند و پایه و اساس اهل سنت و جماعت را قائم و استوار نگه داشتند. اما این زمان، مصادف با دورانی بود که علوم و فنون یونانی، به زبان عربی ترجمه گردیدند و فلاسفه و پیروان مکتب باطنیه با همدیگر، به فلسفه، جامه تقدس را پوشانده بودند. تا اینکه فلسفه معیار سنجش اساسی، برای عقول و اندیشه‌ها، قرار گرفت. و از سوی دیگر نیاز مبرمی بر این بود که شخصیت‌های کارشناس و محقق و آگاهی، که بر علم کلام تسلط کامل داشتند، می‌بایست وارد صحنه عمل گردند. اما با کمال تأسف در آن وقت دچار جمود و تقلید کورکورانه‌ای شده بودند.

در عهد امام ابوالحسن اشعری رحمته، فلسفه دوران طفولیت خویش را می‌پیمود و تازه به عنوان یک فکر و اندیشه نوین در جامعه اسلامی مطرح شده بود. اما مقارن با قرن پنجم هجری، فلسفه به اوج جوانی خویش رسید.

و پنجه‌هایش را بر پیکرهٔ جامعهٔ اسلامی فرو برده بود. و اوضاع اجتماعی و فرهنگی و فکری، بسیار متشنج و خراب شده بود و در این وقت هم نیاز شدیدی به وجود شخصیتی بود که از اسرار و قواعد علم کلام، به روش جدید آشنائی کامل می‌داشت. چنانچه برای این خدمت ارزنده، خداوند امام غزالی رحمته را برگزید. امام غزالی در تألیفات و تصنیفات‌شان، عقاید و قوانین اسلامی را با روش و اسلوب جدیدی، مورد تحقیق و برای اثبات آن‌ها دلائل و براهین مفیدی که مؤثر بودند را مورد استفاده قرار داده، سرانجام روش نوین امام غزالی رحمته، روح تازه‌ای در کالبد عقاید اهل سنت و جماعت دمید و موجب اطمینان خاطر و روشن به نور ایمان شدن هزاران قلب سیاه گردید. هرچند این روش مورد هجوم و تنقید مخالفین قرار گرفت، اما جواب کلیه اعتراضات مخالفین را امام غزالی رحمته در کتابش، موسوم به فیصل التفرقه بین الاسلام و الزندقه به بهترین اسلوبی داده است. چنانچه جامعه اسلامی هم، به زحمات و خدمات ارزنده امام رحمته معترف گردید.

امام غزالی رحمته به خاطر اینکه بهتر بتواند در مقابل تهاجمات فکری فلسفه مقاومت کند، مجبور شد منابع اصلی فلسفه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد، تا پایه‌های تحقیقی و نقدی علمی ارزنده‌ای را به دست آورد، بالآخره بعد از دو سال سعی و تلاش پی در پی، در کتاب المنقذ من الضلال چنین مرقوم می‌دارد:

«بعد از تحقیقات فراوان، موفق گردیده تا با اصول و ضوابط فلسفه و عقاید و اندیشه‌های مکتب باطنیه آشنائی پیدا کند».

امام غزالی رحمته بعد از نوشتن کتاب «مقاصد الفلاسفة» کتاب «تهافت الفلاسفة» را به رشته تحریر درآورد. در کتاب «تهافت الفلاسفة» روش جدیدی در پیش گرفته شده، تا آن وقت متکلمین اسلامی فقط روش

تدافعی را، آن هم در سطح بسیار پایینی در پیش گرفته بودند. امام غزالی رحمته اولین دانشمند اسلامی است که اساس و بنیاد فلسفه یونان را از هم گسیخت. بنابه اعتراف مورخین غربی، بنیاد فلسفه بر اثر حملات علمی و تحقیقی امام غزالی رحمته، در حدود یک قرن کلاً از هم پاشید. بعد از گذشت نود سال، بالاخره ابن رشد به حمایت از فلسفه کتاب «تهافت التهافت» را در ردّ کتاب «تهافت الفلاسفة» نوشت.

بعد از امام غزالی رحمته، باز هم ریشه‌های اساسی فلسفه مورد حملات علمی و تحقیقی قرار می‌گرفت و برای مردم روشن می‌گشت که اساس فلسفه مبنی بر قیاس و فکر می‌باشد. و برای این کار حساس، نیاز به قلمی نقاد و حقیقت نگر بود. برای این خدمت ارزنده، خداوند علامه ابن تیمیه رحمته را برگزید، ایشان در تالیفاتشان، خصوصاً در «الرد علی المنطقیین» وجود فلسفه را کلاً بی‌ارزش و بی‌محتوی ثابت می‌کند و در حال حاضر کتاب مذکور برای قلب‌های افسرده بسیار مفید و روح‌افزا است. بعد از اینکه فلسفه با علم کلام با هم درآمیخت، فلسفه به طرز جدیدتری در جامعه مطرح گردید، تا جائی که در افکار عمومی مسلمین این تصویر پیدا شد، تنها راه‌یافتن به راستگویی و رستگاری و رسیدن به حقانیت، روش استدلالی می‌باشند.

بعد از علامه ابن تیمیه رحمته، فلسفه سبک جدیدی را در پیش گرفت. و اکنون به اندازه‌ای گسترش یافته، که اخلاق و عرفان را هم در بر گرفته و دارد محدودهٔ سیاست را هم متأثر می‌سازد. برای تردید فلسفه، تنها کنجکاو و تلاش در مباحث علم کلام و الهیات کافی نمی‌باشد. و تنها کسی می‌تواند در مقابل امواج سهمگین فلسفه، مقاومت کند که از الهیات و علم اخلاق یونان، و فلسفه افلاطونی مصر، اشراقیت هند، فلسفه عرفان، اخلاق، سیاست و نظام اقتصاد اسلامی آگاهی کامل داشته باشد.

بالآخره در همین قرون اخیر، شخصیت علمی وارسته‌ای چون شاه ولی‌الله رحمته به پا می‌خیزد و با نوشتن کتب با ارزشی همچون «حجة الله البالغه» و «إزالة الخفاء» برتری دین مبین اسلام را در مجامع علمی دنیا، به اثبات رسانید و از حیثیت و شرف علم و علماء، محافظت فرمود.

بعد از اینکه هند به اشغال نیروهای متجاوز انگلیس درآمد، شعله‌های فتنه و آشوب از هرسوی شعله‌ور گردید. و برای مبلغین اسلامی، لازم بود تا در مقابل تبلیغات سوء مبلغین و مبشرین مسیحی، مقاومت نموده معیار علمی خویش را نشان دهند و از نسخه‌های مختلف انجیل هم آگاهی کامل داشته باشند، خصوصاً از آن رشته مسائلی که بین مسلمین و مسیحیان مختلف فیه بود. در همین وقت بسیار حساس، مولانا رحمت الله کیرانوی با نوشتن کتاب «إظهار الحق» و «إزالة الأوهام» سد مستحکمی در مقابل تهاجمات فکری و علمی مسیحیان به وجود آورد. و این کتاب‌ها با استقبال چشمگیر مردم در هندوستان، مصر، ترکیه و کشورهای دیگر قرار گرفت. و تا کنون از مخالفین، کسی نتوانسته جواب این کتاب‌ها را بنویسد.

بعد از به قدرت‌رسیدن آریایی‌ها، تهاجمات فکری تازه‌ای، علیه عقاید و الهیات آغاز گردید و نظریات جدیدی در حادث و قدیم‌بودن جهان، ذات و صفات خداوندی، زندگی بعد از مرگ، زنده و یا عدم زنده‌بودن پیامبران در عالم برزخ و مباحث دیگر در جامعه مطرح گردید، در این چنین اوضاع و احوالی، فقط اکتفاء نمودن بر استدلالات و اسلوب‌های قدیمی کافی نبود. چنانچه مولانا محمد قاسم رحمته نانوتوی؛ بنابه اقتضای وقت، علم کلام را به روش جدیدتری مطرح نمود. با ایراد مثال‌های ساده و مختصر و با بیانی شیوا، جواب بسیاری از مشکلات پیش آمده را دادند. آثار ارزنده مولانا محمد قاسم رحمته (همانند: تقریر دلپذیر، حجة الاسلام، آب حیات، قبله‌نما وغیره) بیانگر فهم و فراست و اندیشه سالم می‌باشد.

متأسفانه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، بار دیگر آتش فتنه‌هایی که می‌خواست، ساحه مقدس نبوت را متأثر سازد، شعله‌ور گردید. پایگاه همه این فتنه‌ها و آشوب‌ها مرکز ایالت پنجاب بود. بر اثر نقشه‌های از پیش برنامه‌ریزی شده دشمنان قسم خورده، می‌رفت که حملات و ضربات سختی، بر پیکر اسلام وارد گردد. اما علمای محققین با هم‌آهنگی کامل قیام نمودند و با وارد شدن در میدان مبارزه، سد مستحکمی را در مقابل این همه ارتدادها ایجاد کردند. شخصیت‌های عالی‌قدری چون مولانا سید محمد علی مونگیری (بنیانگذار دانشگاه ندوة العلماء) و مولانا سیدانور شاه کشمیری رحمته‌الله و دیگر علمای مبارز، از برجسته‌ترین آنانند.

به همراه زندگی و برآورده ساختن نیازهای زمان

از مباحث گذشته، به وضوح معلوم می‌گردد که علماء هرگز این را گوارا نکردند بدون تحقیق و بررسی، همین‌طور و به طور سراسری از کسی پیروی جاهلانه‌ای نکنند، بلکه شخصاً در دریای بیکران علم و عمل غواصی می‌کردند. نگاه و اندیشه‌شان هرگز از ضربان معنوی زمان و از رویدادهای پرفراز و نشیب زندگی جدا نبود، بلکه مطابق با اوضاع و احوال زمان، مشغول خدمت به اسلام و مسلمین بودند و از بدو، عهد و میثاق‌شان بر این بود، که به غیر از خدمت کردن به اسلام و وظیفه‌ای دیگر نداشته باشند. در آن وقت بسیار حساس و بحرانی که هندوستان و مصر تحت پوشش تمدن و فرهنگ و تاریخ، مورد تهاجم اشغالگران قرار گرفته بودند و نویسندگان غربی و مستشرقین، تبلیغاتی علیه شخصیت‌های برجسته اسلامی آغاز کردند و سیمای اصیل اسلام را برخلاف واقعیت به عموم مردم توجیه می‌کردند. اما دانشمندان بزرگ اسلامی با آغاز انقلاب فرهنگی و با نوشتن کتاب‌های ارزنده، موفق شدند کلیه تردیدها، شبهات و اعتراضاتی را که بر اسلام وارد

می‌شد برطرف سازند و بار دیگر نگاه‌های مشتاقانه مردم را به سوی شریعت ناب اسلامی، متمرکز سازند و کتاب‌های با ارزشی چون «الفاروق»، «الجزیه فی الإسلام» و کتابخانه اسکندریه مولانا شبلی، ارزنده‌ترین نمونه‌هایی در این زمینه‌اند که به رشته تحریر درآمدند.

تغییرات برنامه‌های درسی حوزه‌ها

معیار برنامه‌های درسی حوزه‌ها، بیانگر این حقیقت است که علماء برای پذیرفتن مواد درسی مفید و سازنده، چون و چرائی نداشته‌اند و برنامه‌ریزی‌های درسی میبایست تغییرات مختلف عقلی و عملی می‌باشد و برنامه‌های درسی مطابق با اقتضای زمان، مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفته. البته در طی همین چند سال اخیر، تغییرات به خصوصی صورت نگرفته است. در حال که بسیار لازم بود مطابق با تغییرات و تحولات سیاسی و فرهنگی، در برنامه‌های درسی حوزه‌ها نیز تغییرات اساسی و اصولی صورت می‌گرفت.

وجود صلاحیت‌های متعدد برای نیابت از دین

برای چگونگی نیابت از دین و تشریح تعالیم و مفاهیم اسلامی دگرگونی‌های اساسی در مراحل مختلف ضروری می‌باشد. علماء و طلاب حوزه‌های علمیه، پاسداران واقعی، از این حرکت هستند. چون صلاحیت واقعی مبارزه و مقاومت را دارند. به طور مثال بزرگ‌ترین خطری که مراکز آموزش و فرماندهی ارتش را تهدید می‌کند، این است که دوران آموزش، قدیم و جدید بودن اسلحه‌ها و تاکتیک‌های نظامی، مطرح گردد. زیرا برای یک سرباز، هیچ اسلحه‌ای، قدیم و جدید، نخواهد بود و تنها چیزی که برایش ارزش خواهد داشت، این است که به خاطر نابودی دشمن و محافظت از کیان کشور و ملت از چه نوع تاکتیک‌های نظامی و جنگی استفاده نماید.

برای کسی که در آستانه از خود گذشتگی قرار گرفته، برایش تعصب و کوتاه‌فکری جوازی نخواهد داشت، چون لازم است از استعمال هر نوع اسلحه و به اجراء درآوردن هر نوع تاکتیک نظامی آگاهی کامل داشته باشد.

آگاهی‌یافتن از حرکت‌ها و نهضت‌های نوین

بر علماء و طلاب که طلیعه‌داران اجتماع بشری هستند، لازم است از کیفیت و کمیت فتنه‌های نو ظهور یافته، اطلاعات کامل داشته باشند و این قاعده کلی را نباید فراموش کرد، که اطلاعات ناقص، به مراتب از عدم آگاهی خطرناک‌تر می‌باشد. بسا اوقات در محیط حوزه‌ها، سخن از جنبش‌ها و حرکت‌هایی به میان می‌آید که از اصل و اساس و چگونگی برنامه‌های آن‌ها، اطلاعات درستی در دست نمی‌باشد، تا اینکه آن حرکت و یا جنبش، مورد نگاه‌های تحقیقی و تنقیدی قرار گیرد.

قبل از هر چیز لازم است در پرتوی مشوره‌های اهل حل و عقد و تحت سرپرستی آن‌ها، در آغاز، اهداف و افکار این نهضت‌ها باید مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. تا اینکه برتری نظام اسلامی، بر تمام مکاتب فکری جهان به اثبات رسید، گرچه این کار بسیار دشوار است، اما امری است بسیار لازم و ضروری.

مشکلات مطالعات جدید و مسئولیت‌های مربوطه

کیفیت مطالعات جدید در حوزه‌ها، به سرعت در حال تغییر و تحول است که متأسفانه از این‌چنین مطالعاتی، بهره مناسبی گرفته نمی‌شود، زیرا برنامه‌های مطالعاتی بر نهج صحیح و با دقت کامل صورت نمی‌گیرد. به جای اینکه در پی حصول حقایق باشیم فقط به این خوشحال هستیم که مطالعه کتب غیر حوزوی از وظایف‌مان می‌باشد. و باید این حقیقت را بپذیریم، اینطور هم نیست که برخی تصور کرده‌اند زیرا مطالعه کتب خارجی، کار

آسان و سرسری نمی‌باشد. و برای این کار مهم و اساسی و سازنده، نیاز به مشاورین دلسوز و تجربه‌کار می‌باشد، تا کتاب‌های مفید و سازنده را مهیا ساخته، جهت استفاده، آماده سازند. این روش اگر در پرتوی صحیح تعلیم و تربیت و به سرپرستی و راهنمایی مشاورین کارآزموده و تجربه‌کار صورت گیرد، لازماً نتایج مثبتی به دنبال خواهد داشت و در زمینه فرهنگ و تاریخ ادبیات و پیشرفت شریعت اسلامی، خدمات ارزنده‌ای صورت خواهد گرفت. تا جایی که بسا اوقات از اموری که کلاً اسلامی هستند، آن اهداف را نمی‌توان به دست آورد. و اینجاست که تفسیر واقعی این آیه روشن خواهد گشت.

﴿مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِّلشَّرِبِينَ﴾ [النحل: ۶۶].

«از میان سرگین و خون شیرینی خالص گوارا برای نوشندگان».

و اگر حقیقت اینطور نیست؛ پس این حقیقت را باید پذیرفت که هنوز قوانین اساسی دین مبین اسلام در وجودمان استوار و متمرکز نگردیده و خاصیت فکر و اندیشه، در این صورت، فاسد خواهد بود. و این مصرع، دلیلی بر این مدعا خواهد بود:

ع: هرچه گیرد علتی، علت شود.

ارتباط مستقیم با ادبیات و زبان کشور

برای تبلیغاتی و دعوت و ارشاد و تثبیت نظام اسلامی در جامعه، لازم است مبلغین اسلامی از آداب و رسوم و فرهنگ کشوری که در آنجا زندگی می‌کنند آگاهی و اطلاعات کاملی داشته باشند، تا به بهترین اسلوبی بتوانند به اهداف عالی خود برسند. دعوت به سوی دین، آن وقت مؤثر خواهد بود که آن دعوت سرشار از نیروی پرتوان معنویت باشد و این هم حقیقتی است معنوی که خداوند به پیامبران علیهم‌السلام، قدرت و نیروی گویایی معنوی معجزانه

به خصوصی، عنایت فرموده بودند تا بهتر بتوانند قوم خویش را به راه راست ارشاد نمایند و همین موضوع در آیه‌های متعددی از قرآن عنوان گردیده است:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [یوسف: ۲].
 «همانا فرستادیم آن را قرآنی (به زبان) عربی شاید درک بکنید».

﴿يَلِسَانَ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ﴾ [الشعراء: ۱۹۵].
 «به زبان عربی آشکارا».

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا يَلِسَانَ قَوْمِهِ﴾ [ابراهیم: ۴].
 «و نفرستادیم هیچ رسولی را مگر به زبان قومش».

صاحبان عقل و خرد به خوبی در جریانند که مقصود از «لسان القوم» تنها این نیست که انسان فقط اکتفاء به فراگیری زبان آن کشور کند و یا اینکه دیگران را بیاموزاند، بلکه هدف اساسی، این است که نسبت به دیگران، از فرهنگ و تاریخ و ادبیات کشور، آگاهی و تجربه بیشتری داشته باشد و این مدعا از آیات و احادیث متعددی به اثبات رسیده، ارشاد خداوندی است:

﴿لَتُبَيِّنَ لَهُمْ﴾ [النحل: ۶۴].

«تا بیان کنی برای ایشان».

و در حدیثی چنین آمده:

«أنا أفصح العرب»^۱.

«من فصیح‌ترین عرب‌ها هستم».

۱- ابن کثیر و ملا علی قاری و عجلونی و دیگر علما می‌گویند که این حدیث با اینکه صحیح نیست اما معنایش درست است. (مصحح)

واقعاً آنانی که در اصلاح و تجدید تاریخ اسلامی، کارنامه‌های درخشانی داشته و بر افکار و اندیشه‌های مسلمین اثرات مثبتی گذاشته‌اند، از فرهنگ و ادبیات کشورشان آگاهی کامل داشته‌اند و از تصنیفات و تألیفات و سخنرانی‌هایشان، آثار فصاحت و بلاغت و معنویت ادبیات کشورشان به وضوح نمایان است. سخنرانی‌های شیخ عبدالقادر گیلانی رحمته الله علیه اکنون هم، سرفهرست است. مکتوبات امام ربانی رحمته الله علیه از لحاظ متون ادبی از انشاء نویسی‌های ابوالفضل و فیضی به مراتب بهتر می‌باشد. «حجة الله البالغة» اثر ارزنده شاه ولی الله رحمته الله علیه از لحاظ عربی و مفاهیم علمی، به غیر از مقدمه ابن خلدون ماندنی دیگر، ندارد. شاه ولی الله رحمته الله علیه نه تنها اینکه، نسبت به زبان عربی مهارت تام داشتند، بلکه نسبت به زبان فارسی نیز مهارت کامل داشتند. چنانچه از شاهکارهای ادبیات فارسی ایشان می‌توان «إزالة الخفاء» را نام برد. البته این گفتار، نسبت به عهدی است که محور کتب متداوله، بر فارسی و عربی متمرکز بود. اما بعد از اینکه زبان اردو به عنوان زبان رسمی شناخته شد، فرزندان شاه ولی الله رحمته الله علیه، آثارشان را به زبان اردو به رشته تحریر درمی‌آوردند. چنانچه ترجمه اردو قرآن مجید، بهترین شاهکاری، در ادبیات زبان اردو می‌باشد.

آثار علمی مولانا محمد قاسم نانوتوی رحمته الله علیه نیز نمونه‌های درخشانی در ادبیات زبان اردو به شمار می‌آیند. به تعبیر دیگر محور ادبیات کشور، به علماء متمسک شده بود. چنانچه خواجه الطاف حسین حالی، مولوی نذیراحمد دهلوی و مولانا شبلی نعمانی از تدوین‌کنندگان زبان اردو محسوب می‌گردند.

مکتوبات مولانا حبیب الرحمن، تذکره گل رعنا و تاریخ یاد ایام، از ارزنده‌ترین شاهکارهای ادبیات زبان اردو هستند. و کیفیت ادبی و تاریخی

آن‌ها، در سطح بسیار عالی می‌باشد. یاد مولانا سید سلیمان رحمته برای همیشه زنده و جاوید باد که مقاله‌های تحقیقی و ادبی‌اش، کیفیت و معیار زبان اردو را بسیار بالا برد. مولانا ابوالکلام آزاد رحمته هم به نوبه خویش توسط آثار ارزنده‌اش، روح تازه‌ای در کالبد ادبیات اردو دمید چنانچه «سحر هلال والهلال» فضای فرهنگی هندوستان را مسحور کرده بود و تا هم‌اکنون معیارهای فرهنگی و ادبی‌اش پابرجا و استوار می‌باشد.

واقعاً اگر علماء، با توجه بیش‌تر و دوراندیشی نسبت به ادبیات کشورشان توجهات لازمه را بکنند، بعداً برای کسی مجالی نخواهد بود، که بر قشر علماء این تنقید را بکنند که علماء جهت ارتقاء فرهنگی و ادبی کشورشان، هیچگونه اقدامی نکرده‌اند.

سلف بزرگوار در راستای پیشبرد اهداف عالیہ اسلام زبان رسمی کشور را برمی‌گزیدند و اکنون این وظیفه ما است که از آن سرمایه‌های عظیم فرهنگی و ادبی و عقیدتی و مذهبی محافظت بکنیم. واقعاً اگر در فکر خدمت به شریعت اسلامی و ابلاغ عقاید و تعالیم اسلامی به عموم مسلمین هستیم لازم است کلامی گویا و قلمی رسا داشته باشیم. بنابراین سخنرانی‌ها، مجالس اصلاحی، تألیفات و تصنیفات‌مان را طوری ترتیب بدهیم که بیانگر بهترین اسلوب‌های فرهنگی، ادبی، فصاحت و بلاغت و بیان و معانی باشند.

آگاهی کامل از زبان عربی

زبان عربی از زبان‌های ترقی‌یافته و متداوله بین‌المللی می‌باشد. زبان عربی، زبان تألیف و تصنیف، دعوت و تبلیغ، سیاست، فلسفه و منطق و سایر علوم است. متأسفانه در محیط حوزه‌ها، شایعه شده که زبان عربی به صورت قدیم و جدید می‌باشد، که زبان عربی قدیم در قرآن و حدیث و فقه منحصر

است و زبان عربی نوین که اکثر لغاتش فرانسوی و انگلیسی می‌باشد. فراگیری‌اش بسیار مشکل است و بر اثر همین تبلیغات بی‌اساس، بسیاری از علماء و طلاب به جای اینکه به دنبال فراگیری زبان عربی باشند، از فراگرفتنش وحشت می‌کنند. حالا که اگر واقعیت امر را در نظر بگیریم به این نتیجه خواهیم رسید، که اصلاً وجودی از زبان عربی به عنوان عربی جدید نیست و در حال حاضر، زبانی را که علماء، مؤلفین و مصنفین خاور میانه به کار می‌گیرند به قرآن و حدیث و به ادبیات عصر جاهلیت اعراب و بعد از آن عصر، قریب‌تر می‌باشد. احیاناً اگر مواردی جهت رفع نیازهای جدید، پیش آید، در آن صورت از منابع قدیمی فرهنگ زبان عربی و قرآن و حدیث استمداد گرفته می‌شود و در این زمینه کارنامه‌هایشان در سطح بسیار عالی می‌باشد.

بعد از اینکه ناپلئون به مصر حمله برد و لغات غیر عربی که در زبان عربی، داخل شده بود، با یک حرکت فرهنگی، کلاً لغات و الفاظ غیر عربی، جدا گردیده و در عوض، الفاظ صریح و اصیل عربی به کار برده شد؛ و در حال حاضر، معیار فرهنگی و ادبی عربی این ممالک، ترقی چشمگیری نموده و تبلیغات و انتشارات زبان عربی به مرحله‌ای رسیده که حتی الفاظ و لغات نادر زبان عربی، اکنون در اختیار عموم مردم قرار گرفته است. متأسفانه! نحوه فراگیری زبان عربی در حوزه‌های علمیه به گونه‌ای است، که نمی‌توان به توسط آن، در کشورهای عربی خدمات علمی و تحقیقی ارزنده‌ای را انجام داد. واقعاً اگر خواهان این هستید که در کشورهای عربی و ممالک دیگر، نسبت به دین مبین اسلام انجام وظیفه نمائید و یا در پی شناساندن نهضت‌های انقلابی و اصلاحی اینجا، به آن دیار هستید. در این صورت نیاز مبرم، به آمادگی کامل می‌باشد. موقعیت تاریخی و جغرافیائی هندوستان

طوری است که، نمی‌شود به طور کلی از کشورهای دیگر منقطع گردد. زیرا در حرکت‌های سیاسی خاورمیانه، نقش اساسی و حیاتی را ایفاء می‌کند. اگر علماء در این اوضاع و احوال بحرانی جهان اسلام و غیراسلام، سیاست بی‌طرفانه‌ای را دنبال کنند و در اندیشه فکر رهبانیت باشند، علناً باید گفت که در چنین موقعیتی، علماء نیابت واقعی اسلام را انجام نداده‌اند و این سیاست نه تنها برای خودشان مفید نخواهد بود بلکه برای کشورشان نیز ثمره‌ای به دنبال نخواهد داشت.

بنابراین برای فراگیری کامل زبان عربی، لازم است که حوزه‌های علمیه، سرمایه‌گذاری بیشتری کنند و رنه با ارتکاب کوچک‌ترین غفلت و عدم احساس مسئولیت، خطرات و عواقب نافرجامش، تا مدتی ادامه خواهد داشت.

پاسداری از عقاید راستین

سخن به درازا کشید، و پیرامون مسائل گوناگونی اظهار نظر گردید. در پایان شایسته است، به این نکته هم اشاره شود، که ارزنده‌ترین یادگار بزرگان دین، این بود که از احساسات و رجحان مذهبی مسلمانان محافظت و در مقابل هرگونه بدعت‌ها و دسیسه‌کاری‌ها مقاومت نمودند و در جهت ریشه‌کن‌ساختن آن‌ها، از هیچ‌گونه سعی و کوششی دریغ، نورزیدند.

شاه اسماعیل شهید رحمته‌الله و مولانا رشید احمد گنگوهی رحمته‌الله از زمره شخصیت‌هایی هستند، که در این زمینه کارنامه‌های درخشانی را به امت اسلامی تقدیم داشتند و اصلاً حاضر نبودند، کوچک‌ترین نظریه، اندیشه و دسیسه‌ای علیه دین اسلام بروز کند.

بعد از به اشغال درآمدن هندوستان، توسط نیروهای متجاوز انگلیسی، و ظهور افکار و نظریات نوین، مشکلات جدی برای جامعه پیش آمد لیکن با

بودن این همه مشکلات، علماء توانستند با آن روح ایمانی که داشتند، در مقابل هرگونه حملات و تهاجمات، مقاومت نمایند، و در ارتباط با شریعت، به اندازه‌ای حساس بودند که تا آخرین لحظه، راجع به بدعات و مراسم غیر شرعی کوچک‌ترین تسامحی از خویشان ابراز نمی‌کردند و به خاطر سربلندی و اقتدار شریعت اسلامی هیچگونه خوف و هراسی، به خود راه نمی‌دادند. و هیچ مجرمی و بدعتگری، توان آن را نداشت از نگاه‌های تیز و مؤثر شریعت، جان بدر برد.

اسلاف بزرگوار، به خاطر اخلاق حسنه‌شان، در راستای عظمت اسلام و مسلمین حاضر به پذیرش هرگونه فتواهای نادرست، تحمل شکنجه‌ها و امثال این‌ها شدند، اما هرگز حاضر به این نشدند، کوچک‌ترین خلل و ضعفی در اهداف و آرمان‌هایشان، بروز کند. نتیجه همین رشادت‌ها و از خود گذشتگی‌های آنان بود که امروزه میلیون‌ها انسان، از اسارت مهلکه بدعات و مراسم غیر شرعی رهائی یافتند. خدای سُبْحٰنَهُ یاد این بندگان مخلص و مردان احرار را برای همیشه زنده و جاویدان باقی نگه دارد. و آرامگاه‌هایشان را نورانی گرداند و از طرف امت اسلامی جزای خیر، به آنان عنایت فرماید. و اکنون در آن برهه از زمان، قرار گرفته‌ایم که به تاریخ درخشنده آنان افتخار می‌کنیم به محض اینکه یادی از آنان به میان آید در روح و روانمان طراوت، لطف و محبت ایمانی به خصوصی نمایان خواهد گشت چون هریک از آنان از مصادیق این آیه بودند:

﴿مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ [الأحزاب: ۲۳].

«از مؤمنان، مردانی هستند که، راست گفتند. آنچه را، با خدا، پیمان بر آن بستند، پس از ایشان است، آنکه گذراند عهد خویش را، و از ایشان است آنکه انتظار کشید، و تبدیل نکردند، تبدیلی.»

آنان با تقدیم خون پاک‌شان با آبیاری نمودن گلستان شریعت اسلامی، از کیان اسلام محافظت فرمودند و در آخر این پیام را بر ایمان به امانت گذاشتند:

آغشته‌ایم هرسرخاری به خون دل

قانون باغبانی صحرا نوشته‌ایم

و اکنون این وظیفه، به ما برمی‌گردد تا از این سرمایه جاودانی، که به عنوان امانت نزدمان است، پاسداری کنیم.

از شما علماء و طلاب، گلایه‌ای دارم، واقعاً بسی جای تأسف و اندوه است به جای اینکه از پاسداران واقعی این سرمایه عظیم می‌شدیم، اکنون در حال فاصله‌گرفتن از آن هستیم. در حالی که اسلاف بزرگوارمان کلاً اوقات و صلاحیت‌های خویش را جهت پاسداری از آن سرمایه‌های جاودانی، وقف نموده بودند. شما هم به خوبی متوجه باشید که با همان، فرزنانگان راه خدا منسلک هستید. سؤالی که مطرح می‌گردد این است که چند نفر از شما، از سوانح عمری و کارنامه‌های درخشان آنان آگاهی دارید؟ چند نفر از شما، کتاب صراط مستقیم و تقویة الایمان را مطالعه نموده‌اید؟ چند نفر از شما، از منزلت و فلسفه توحید و سنت باخبر هستید؟

آن‌ها می‌توانند بگویند، که ایمان به خدای اهل جاهلیت چگونه بود و قرآن چرا آنان را از زمره مشرکین قرار داد. توحید دارای چه مراحل می‌باشد و شرک دارای چه مظاهری است. تعریف جامع و مانع بدعت چیست و چه ضررهائی را به دنبال خواهد داشت.

و اکنون وظیفه شما است که راجع به مسایل مذکوره آگاهی کامل داشته و جهت فراگیری آن مسایل از هیچ کوششی نباید دریغی داشته باشید، تا امتیاز شاخصی با عامه مردم داشته باشید. اما باز هم، این احساس

خطر را دارم که بسیاری از شما راجع به اینگونه مسایل اطلاعات کافی و وافی نداشته باشید.

فتنه‌های عصر حاضر

بزرگ‌ترین مشکلات و معضلات جامعه، فتنه‌هایی هستند که بروز کرده و در حال به وقوع پیوستن‌اند. در گذشته مردم مرتکب بدعات می‌شدند، اما اکنون بت‌پرستی عصر جاهلیت، در حال شکل‌گیری است؛ فتنه‌ها و دسیسه‌ها، تحت پوشش شعارهایی چون وحدت ادیان، دعوت به سوی احیاء پرستی، ملیت‌پرستی و غیره، همه این حرکت‌ها، احساسات مذهبی و عقیدتی مسلمین را جریحه‌دار ساخته، مورد تهدید قرار می‌دهد. آن اسلاف بزرگواری که یارای مشاهده نمودن بدعت‌ها را نداشتند آخر چگونه می‌توانستند این مظاهر شرک و بت‌پرستی عصر جاهلیت را تحمل کنند.

واقعاً از اینکه اسلاف‌مان، حق نیابت را به نحو احسن انجام دادند، اعتراف می‌کنیم و در پیشگاه ذات احدیت و جمیع خلائق نسبت به اینکه اسلاف بزرگوار در مقابل نیروهای شیطانی، هیچگونه سازشی نکردند، حاضر به گواهی دادن هستیم. زیرا که آنان دلیرانه مقاومت کردند و از کیان دین مبین اسلام پاسداری نمودند. اما سؤالی که مطرح می‌گردد این است که آینده‌گان درباره ما و شما چگونه قضاوت خواهند کرد و چه یادواره‌ای از خویشان در اوراق تاریخ به جای خواهیم گذاشت.

مسئولیت‌های عصر حاضر

قرنی که در آن قرار داریم، بسیار حساس و مهم می‌باشد و مسئولیت‌هایش بسیار زیاد و سنگین است. اما در عوض، نتیجه‌اش بسیار ارزنده و در سطح عالی خواهد بود.

فرار از مسئولیت‌ها و اعتراف به ضعف و ناتوانی در مقابل خواسته‌های زمان، زینندهٔ مردان احرار نمی‌باشد. هرچند فرصتی که باقیمانده باید آن را مغتنم شمرده و در جهت آمادگی و فعالیت، صرفش نمود. در اینجا (محیط حوزه) خداوند به شما، اساتید محترم و دلسوزی عنایت فرموده و عالی‌ترین فضای مذهبی و پایگاه علمی را برای تان فراهم نموده است.

اوضاع و احوال پر آشوب زمان باید پیوسته زیر نظر تان باشد و همیشه در فکر یافتن عظمت و مرتبه مسئولیت‌تان باشید. و طوری آن را مؤثر نمائید تا به بهترین وجهی بتوانید نسبت به امت اسلامی، خدمات ارزنده‌ای را تقدیم نمائید. ان شاء الله تعالی.

غافل منشین نه وقت بازیست

وقت هنر است و کار سرفرازیست

در پایان از خداوند، توفیق بیان حق و حقیقت برای برادران اسلامی و انسانی را داریم و برای خوانندگان عزیز هم، آرزوی تحقیق و پویایی بیش‌تر و آگاهی افزون‌تر، در امور مذهبی و اجتماعی را از پیشگاه ذات احدیت مسئلت می‌نمایم.

ومن الله التوفیق